

## تبیین حدود تشخیص کالبدی خانه‌های مسکونی در جامعه اسلامی و بررسی تاثیرات آن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

کد مقاله: ۲۴۵۲۸

صابره لیلاسی مرندا<sup>۱</sup>، پریسا هاشم‌پور<sup>۲\*</sup>

### چکیده

خانه‌های مسکونی مکان‌هایی هستند که تاثیرات زیادی روی ساکنین و نسل‌های آینده ما دارند. بنابراین طراحی صحیحی که بتواند پاسخگوی نیازهای روحی و روانی ساکنین باشد و رضایت آن‌ها را از کیفیت زندگی افزایش دهد نکته‌ای قابل تامل و بررسی است. به دنبال پیوند مسکن با تشخیص کالبدی، ضمن ارتقای کیفیت زندگی ساکنین و تامین نیازهای روانیشان، شاهد مجموعه مسکونی ماندگار و با اصالت معماری ایرانی در سطح شهر خواهیم بود. این پژوهش ابتدا به تعریف تشخیص پرداخته سپس با روش استدلال منطقی به مدلی معنایی تشخیص رسیده و به رابطه‌ی تشخیص کالبدی خانه با چارچوب نظری مدل پرداخته است و با استفاده از منابع دین و احادیث معتبر و مقالات اسلامی به تبیین حدود تشخیص و تاثیر وجود تشخیص کالبدی خانه در حدود اسلامی بر ساکنین پرداخته می‌شود. تبیین حدود تشخیص کالبدی مجموعه مسکونی زمانی از دیدگاه اسلامی پذیرفته است که ضمن ایجاد حس ارزش و رضایت از خود، باعث شان و منزلت اجتماعی شود که این تشخیص کالبدی وحدت و نظم مطلوب شهری را در پی دارد. عدم شناخت حدود تشخیص کالبدی مجموعه مسکونی از نقطه نظر اسلام، ضمن تاثیرات منفی که بر شخص و اجتماع می‌گذارد، باعث ناهماهنگی در سیمای شهر می‌شود.

واژگان کلیدی: تشخیص کالبدی، خانه‌های مسکونی، تبیین حدود، اسلام.

۱- کارشناسی ارشد مهندسی معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

۲- استاد تمام دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

*p.hashempour@tabriziau.ac.ir*

\* این مقاله مستخرج از رساله کارشناسی ارشد معماری اسلامی با عنوان «طراحی مجموعه مسکونی در جهت تشخیص کالبدی از منظر اندیشه اسلامی در محله مقصودیه تبریز» با راهنمایی نگارنده دوم است.

مفهوم خانه و مسکن از اولین نیازهای یک جامعه است. رشد روزافزون جمعیت شهری نیاز به ساخت مجتمع مسکونی را افزایش داده است. امروزه شاهد شکل‌گیری ساختمان‌های مسکونی هستیم که همچون هر کالایی، دارای تاریخ مصرف و انقضا می‌گردد. که نه تنها در میان جامعه معماران بلکه بین عامه مردم نیز جایگاهی نداشته و چیزی برای عرضه به آیندگان ندارد. این امر علاوه بر از دست رفتن سرمایه کشور باعث فراموش شدن و بی ارزش شدن هنری چون معماری می‌شود (نقره کار، حمزه نژاد و فروزنده، ۱۳۸۸: ۳۱). تشخیص از مولفه‌های اصلی کام‌یابی و ماندگاری هر اثر است که بکارگیری مولفه‌های آن، ما را در ایجاد کالبدی ماندگار یاری می‌کند. به گونه‌ای که ساختمان‌های مسکونی دیگر بعنوان کالا نباشند و فاقد هرگونه تاریخ مصرف و انقضا گردد. در صورت نبود تشخیص کالبدی مناسب در داخل و خارج مسکن، مشکلات عدیدی به وجود می‌آید. تشخیص یک بناست که با مجموعه صفات و خصوصیات کالبدی آن بنا را از سایر بناها متمایز می‌سازد. اینکه تمایز ایجاد شده در جهت تشخیص کالبدی به چه اندازه باشد موضوع حائز اهمیت است. در واقع مجموعه تمایزات کالبدی است که خصوصیات و ویژگی‌های کالبدی خانه را تعریف می‌کند، و مجموعه این تمایزها تأثیر عمده‌ای بر ساکنان خانه و محله دارد (ایلکا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۰). چرا که خانه برای ساکنانش مرکز جهان است و برای محله‌اش شاخص‌ترین بنا در تحکیم بنا است (Moore 1974, 50). با نظر به اینکه دین اسلام همواره بر سلامت روح و روان افراد تأکید فراوان دارد (عابدینی، ۱۳۹۵). حدودی از تشخیص کالبدی مناسب است که از دیدگاه اسلامی پذیرفته باشد.

## ۲- چارچوب پژوهش

هدف: استخراج تاثیرات تشخیص کالبدی بر ساکنان و بررسی حدود تشخیص کالبدی در جامعه اسلامی.

سوال: حدود تشخیص اسلامی چیست؟ تاثیر تشخیص کالبدی بر ساکنان آن چگونه است؟

روش تحقیق: پژوهش حاضر از نوع کیفی است که در مرحله اول به مطالعه متون مربوطه پرداخته و مؤلفه‌های تعریف‌کننده از دیدگاه اندیشمندان و فلاسفه شناسایی شده و از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات و پیشینه موضوع، مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای است که از آن‌ها در تدوین موضوع و یافتن چارچوب نظری بهره جسته شده است. در این پژوهش جهت شناخت تاثیرات تشخیص کالبدی از نظریه گوستافسون که به تبیین ساختارفضایی عوامل سازنده خانه می‌پردازد، بهره گرفته می‌شود. در ادامه تاثیرات تشخیص کالبدی با استفاده از متون و اسناد کتابخانه‌ای، مورد بررسی قرار گرفته است و حدود تشخیص کالبدی در جامعه اسلامی تعیین شده است.

## ۳- پیشینه‌ی پژوهش

با جستجو در مطالعات انجام شده، تحقیقی که مشخصاً به تبیین حدود تشخیص کالبدی خانه‌ها و تاثیرات آن پرداخته باشد، یافت نشد، تنها در بعضی پژوهش‌ها به طور مختصر در یک جمله در رابطه با اصل پرهیز از تشخیص کالبدی ذکر شده است. یاران و بهرو (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان تاثیر فرهنگ و اخلاق اسلامی بر مسکن و کالبد فضایی خانه‌ها، فرهنگ و اخلاق اسلامی را در مواردی چون تواضع و پرهیز از خودنمایی نام برده اند و الگوی همسویی کالبد بنا با محیط و اصل پرهیز از تشخیص کالبدی را پیشنهاد نمودند. نقره کار و رحیمی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان اصول طراحی مجموعه مسکونی مبتنی بر حکمت اسلامی اصولی سلبی و ایجابی در طراحی عناصر مجموعه مسکونی را مورد بررسی قرار داده که از این میان تشخیص کالبدی فرم بیرون (نما و حجم مسکن) جز موارد سلبی است. حمزه‌نژاد و صدریان (۱۳۹۳) هم در پژوهشی با نام اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر، به اصل پرهیز از تشخیص کالبدی تاکید کرده است.

به رغم پژوهش‌های مذکور، پژوهش‌های تبیین حدود تشخیص بیشتر معطوف به اصل پرهیز از خودنمایی است و پژوهشگران به تبیین حدود تشخیص کالبدی خانه‌ها و تاثیرات آن نپرداختند. نوآوری این تحقیق با توجه به مواردی که مطرح شد، دستیابی به حدود تشخیص کالبدی است که بر این اساس مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ساکنین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۴- مبانی نظری

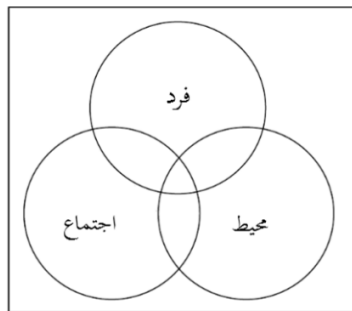
### ۴-۱- تشخیص

تشخیص ریشه عربی است، از مصدر بزرگی یافتن و برجسته شدن و اسم این کلمه، شخصیت و امتیاز است. در لغت‌نامه دهخدا تشخیص، تعین یافتن و معین گردیدن، جدا و ممتاز شدن معنی شده است (دهخدا، ۱۳۳۷). در فرهنگ فارسی عمید تشخیص، بزرگی داشتن، بزرگی یافتن، برجسته شدن و ممتاز گشتن از دیگران معنی شده است (عمید، ۱۳۹۳). تشخیص در دانشنامه جهان اسلام، اصطلاحی است فلسفی از عوارض ذاتی موجود بما هو موجود و از معقولات فلسفی است. تشخیص در کلمات بیشتر فلاسفه با اصطلاح تمیز و امتیاز به یک معنا به کار رفته و یا دست کم ملاک تشخیص با ملاک تمیز یکی انگاشته شده و میان این دو خلط

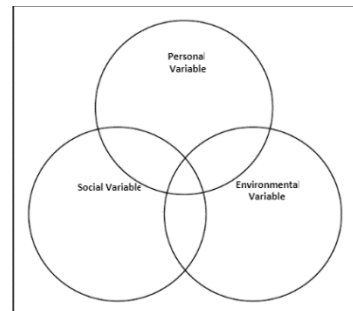
صورت گرفته است. تشخیص و تمایز با وجود تفاوت‌هایی که دارند هر دو موجب افتراق و تمایز میان دوشی یا اشیایی می‌گردند (حدادعادل، ۱۳۸۱). در اصطلاحات فلسفی هویت در هم‌نشینی با تشخیص آمده است. هویت همان حقیقت جزئی است یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ و اعتبار شود هویت گویند و لذا می‌توان گفت هویت تشخیص ماهیت در خارج است (کرچی، ۱۳۷۵: ۲۶۶). با توجه به معانی مستخرج از لغت تشخیص، این کلمه به معنی بزرگی داشتن، شخصیت داشتن، امتیاز داشتن است و در هم‌نشینی با کلمات هویت و تعین یا تمایز است.

#### ۴-۲- تشخیص کالبدی

یکی از مولفه‌های اصلی کام‌یابی و ماندگاری هر اثری تشخیص آن است (حسینی وردنجانی، مرتضایی، ترکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۸). تشخیص پردازی فرایند آگاهانه انتخاب و ایجاد ارتباط مطلوب برای یک محصول یا خدمت به منظور افزایش ارزش آن است (kavaratsiz, Ashworth, 2005). به دنیا آوردن محوری مطلوب و بهینه یا ارجح و برخوردار از تشخیص و از هویتی که بر قلب ساختمان می‌نشیند و نه تنها بخش مکمل، بلکه سخن اصلی فضای معماری به شمار آید، تعیین‌کننده اصالت معماری می‌شود (فلامکی، ۱۳۹۱: ۲۵۰). بنابراین جهت افزایش ارزش بناها و دست‌یابی به اصالت معماری ایرانی و ماندگاری بنا، به کارگیری عوامل موثر بر تشخیص کالبدی، امری ضروری است. تشخیص کالبدی به معنای مجموعه صفات و خصوصیات است که برای هر فضا معنای خاصی به وجود می‌آورد، آنچه به کالبد تشخیص می‌دهد، همان ویژگی‌هایی است که آن را از غیر خود متمایز می‌کند. تمایزی که ضمن شخصیت بخشی به بنا، آن فضا را نسبت به سایرین ممتاز و ارجح می‌کند (لیلاسی مرند، هاشم‌پور، ۱۴۰۰: ۵۴). یکی از عوامل موثر بر تشخیص کالبدی عوامل متمایزکننده کالبد است. در عوامل متمایزکننده کالبد ایجاد تنوع در توده و فضا، نماها و مقاطع و فرم و پلان‌ها، کالبدی متمشخص می‌آفریند. به عقیده شولتز، حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هست و به عبارتی حس مکان در مکان‌های متمشخص که دارای مصالح، شکل، بافت، رنگ، مقیاس، تنوع، چشم انداز و برجستگی است (شولتز، ۱۳۹۲: ۲۳۲). بررسی نظرات رلف و کانتر و موافق بودن بر عقیده شولتز شاهدی بر این ادعاست. رلف برای هر مکان خصوصیات منحصر فردی قائل است و این ویژگی‌ها را به سبب سه نشانه ساختار کالبدی، فعالیت و معنا تعریف می‌کند (carmna, 2010, 98). و کانتر نیز سه عامل کالبد، فعالیت و تصورات را در خلق کالبدی متمایز دخیل می‌داند (canter, 1997, 49). گوستافسون (۲۰۰۱) با پایه قرار دادن و قیاس تطبیقی نظریات کانتر و رلف به توصیف رویکرد تعاملی سه قطبی فرد، اجتماع و محیط به عنوان مدل چارچوب نظری در شکل‌گیری مکان متمشخص پرداخته و مدل شفافی از معنی و شکل‌گیری آن در محیط‌های ساخته شده ارائه می‌دهد (Gustafson, 2001, 5). بر اساس مدل معنایی محیطی، مطابق شکل زیر، تشخیص در معماری بر ایند سه عامل فرد، اجتماع و محیط می‌باشد که در یک فرایند سه قطبی معنای تشخیص کالبدی را ایجاد می‌کند.



شکل ۲- مدل معنای تشخیص کالبدی (ماخذ: تشخیص کالبدی)



شکل ۱- مدل گوستافسون (ماخذ: Gustafson, 2001)

#### ۴-۲-۱- تشخیص کالبدی-فرد

یک اثر معماری با ایجاد قلمرو و عرصه‌های خصوصی و عمومی برای فرد به تدریج در فرایند ساکن شدن یا این همانی فرد با اثر، به بخشی از وجود فرد تبدیل شده و نقشی مشابه اعضای بدن و یا نوع پوشش افراد به خود می‌گیرد (سلیمانی، اعتصام، حبیب، ۱۳۹۲: ۲۵) به گونه‌ای که فضا و شکل، هویت خود را با انسان درون آن‌ها می‌یابد. این روند، فراگیرترین دیدگاه درباره این مساله در معماری خواهد بود که تاثیر مکین را در مکان فراموش نمی‌کند (حجت، ۱۳۷۷: ۱۹). پس می‌توان نتیجه گرفت که تشخیص کالبد به بخشی از وجود تشخیص فرد تبدیل شده و کالبد، تشخیص خود با انسان درون آن می‌یابد و بر روی آن اثر می‌گذارد. به عبارت دیگر محیط بخشی از شخصیت وجودی هر انسان است که هویت فردی وی را می‌سازد و فرد خود را با آن می‌شناسد و به دیگری می‌شناساند و بر ظرفیت مثبت یا منفی فرد نسبت به تغییرات محیطی تاثیر می‌گذارد (یاران، بهرو، ۱۳۹۶: ۴). خانه بیش از سایر کاربری‌ها بر فرد تاثیر می‌گذارد زیرا زمان بیشتری از زندگی خود را در این فضا سپری می‌کند. به طوری که کلر کوپر مارکوس

"خانه را به عنوان نماد خویشتن" معرفی کرد (Cooper Marcus, 1974). تشخیص کالبدی از منظر اسلامی برای خانه‌های مسکونی مناسب است که فرد با آن احساس ارزش و رضایت از خویشتن داشته باشد. در صورتی که تشخیص کالبدی از این حالت بالاتر رود و تک بنای مسکونی نسبت به سایر خانه‌ها متمایز و برجسته باشد با نظر به تاثیر تشخیص کالبد بر روی شخصیت فرد، ممکن است افراد دچار عجب و بزرگ بینی شوند. در صورتی که تک بنا در کنار سایر بناها دچار حقارت شود، در این صورت فرد احساس مثبتی چون ارزش و رضایت را از بنای مسکونی دریافت نمی‌کند. نبود احساس مثبت به خانه و تعلق به مکان مشکلات عدیدی ایجاد می‌کند که این امر بر کسی پوشیده نیست.

#### ۴-۲-۲- تشخیص کالبدی-اجتماع

به صورت کلی، این مولفه پیوند مکانی و اجتماعی است که می‌تواند با قدرت، اعضای اجتماع را برای بسیج شدن به منظور مشارکت در اقدامات جمعی در محیط تهییج کند. فرایندهای روان‌شناختی و اجتماعی ریشه‌ای حس اجتماعی (احساس اعتماد متقابل، پیوندهای اجتماعی، نگرانی‌های مشترک و ارزش اجتماعی) منجر به اقدام و مشارکت در سطح محله‌ای می‌شوند. دل‌بستگی‌های جمعی به مکان بیشترین تاثیر مثبت را بر هرگونه نیروی واحد در طراحی اجتماع می‌گذارند. در این صورت مردم بیشتر به یکدیگر احساس همدلی پیدا می‌کنند و بیشتر مراقب رفاه یکدیگر می‌شوند (یاران، بهرو، ۱۳۹۶: ۵). دسپرس یکی از جامع‌ترین فهرست‌های معانی خانه را تهیه نمود، ده معنای مرتبط با خانه را ارائه داد. در فهرست او "شاخص‌های اجتماعی" به عنوان معانی خانه دیده می‌شود (Despres, 1991: 110). خانه به وسیله پیغام‌هایی که راجع به ساکنین در برداشته و حمل می‌کند، به عنوان یک مذاکره کننده بین فرد و جامعه بزرگ‌تر عمل می‌کند، لذا نمادی از هویت اجتماعی فرد است (Saegret, 1985). همان گونه که ذکر شد مجموعه مسکونی با موجودیت مادی که دارند، باعث ایجاد حس ارزش و رضایت از خود و احساس شان و منزلت در اجتماع می‌شود. این دو احساس که خیلی به هم نزدیک هستند، یکی در عالم درون و دیگری در مناسبات اجتماعی تحقق می‌یابد. اولی برای انسان جدا و مجزای از جامعه هم نیاز است ولی دوم برای انسان در میان جمع نیاز است. در اصل وجود این دو نیاز و احساس سلامتی روانی آدمی در گرو تامین این هاست، وفاقی میان روان‌شناسان و ادیان الهی و هم تفکرات فلسفی فیلسوفان در مباحث علم النفس و هم به نحوی در تفکرات عرفانی مطرح و مورد توجه و تایید بوده و بر این نکته هم تاکید ورزیده شده است که تامین این دو نیاز بر سلامت روانی موثر است و از سوی دیگر، وجود این دو احساس نشانه سلامت روانی است و انسان سالم کسی است که این دو احساس مثبت را دارد (طلوع تابستان: ۱۳۸۱). و با نظر به اینکه دین اسلام همواره بر سلامت روح و روان تاکید فراوان دارد (عابدینی، ۱۳۹۵). تشخیص کالبدی مجموعه مسکونی زمانی از دیدگاه اسلامی پذیرفته است که ضمن ایجاد حس ارزش و رضایت از خود، باعث شان و منزلت اجتماعی شود که این تشخیص کالبدی سلامت روان و احساس تعلق به مکان ساکنین را در پی دارد. اگر تشخیص از حد تعیین شده بالا رود فرد در در مرتبه‌ای از فخر فروشی و جلب توجه قرار می‌گیرد که باعث خود برتر بینی و تفاخر می‌شود.

اسلام با صرف هزینه بیش از حد برای تزئینات و مصالح گران قیمت در نمای بیرونی ساختمان به منظور متمایز نمودن خود از دیگران و یا متمایز نمودن خانه‌ها از یک دیگر مخالف است. نمای بیرون خانه نباید نمایشی از ثروت و تفاخر صاحب خانه بوده و باعث غبطه خوردن همسایگان و عابران شود. این نکته در خانه‌های سنتی مسلمانان مشاهده می‌شد و تزئینات خارجی ساختمان در راستای مد، فخر فروشی و یا جلب توجه به حساب نمی‌آمد. پیامبر می‌فرماید: کسی که برای خودنمایی و شهرت ساختمانی بسازد، در روز قیامت آن را بر پشت خود تا هفت زمین حمل می‌کند و سپس به صورت طوقی از آتش در گردن او در می‌آید. امیرالمومنین علیه السلام تفاخر در ساختمان را نهی کرده و فرموده‌اند: کسی که برای رقابت در تفاخر چیزی بسازد، خداوند او را سیاه محشور می‌نماید. از روایات فوق می‌توان دریافت خودنمایی و تفاخر در ساختمان‌های مسکونی همواره نهی شده است (حمزه نژاد، صدریان، ۱۳۹۴: ۶۴). در تشخیص کالبدی خارجی خانه نسبت بلندای دیوارهای بیرونی به طول، پذیرای راه و رسمی خاص نمی‌شود که بتواند به تمایز و تشخیص ویژه‌ای راه دهد، خواهی در حرمت‌گذاری بر فضای فروتن همگانی، خواهی برای پرهیز از نمایش توانمندی و ثروتمندی مالکان و خواهی در عشق به شهری زیستن و در جمع زیستن و پرهیز از نمایانی تمییزهای اجتماعی و اقتصادی (فلامکی، ۱۳۹۱: ۹۷). در صورتی که تشخیص کالبدی خارجی مجموعه مسکونی از حالت اعتدال خود پایین رود به گونه‌ای که تک بنا در کنار سایر بناهای شهری دچار حقارت شود ضمن تاثیر منفی که در روان فرد می‌گذارد در اجتماع موجب طرد شدگی می‌شود که تبعاتی منفی من جمله نبود دل‌بستگی به مکان، عدم همکاری، نگرش‌های منفی و... به دنبال دارد (خواجه صالحانی، آزاده، ۱۳۹۴).

#### ۴-۲-۳- تشخیص کالبدی-محیط

تشخیص‌پردازی موفق می‌تواند شهرها را پویاتر نماید در حالی که یک تشخیص ضعیف باعث ناتوانی شهر می‌گردد (Lang, 2011). میزان تشخیص عناصر اصلی شهر، در سیمای شهرهای اسلامی از گذشته تا به امروز، تغییرات بسیاری داشته است. نما، ارتفاع و موقعیت بنا در پلان شهر از جمله راه‌های ایجاد تشخیص است. همچنین در ادوار مختلف برخی بناها با فعالیت‌های خاص در بستر شهر تشخیص یافته‌اند. عناصری که در گذشته مسجد، بازار، خانقاه، مزار، حمام، آب انبار، تکیه و حسینیه، مدرسه و ارگ

بودند و امروز بناهای سیاسی، اداری، تجاری و گاه مسکونی و مذهبی. می‌توان گفت یکی از دلایل اصلی آشفتگی و بی‌نظمی سیمای شهرها در دوره حاضر (که دغدغه بسیاری از متخصصین است) عدم توجه به میزان و چگونگی تشخیص عناصر شهر است (حمزه نژاد، صیرفیان پور، ۱۳۹۷). اصول پرهیز از تشخیص کالبد خارجی و توجه به تشخیص کالبد داخلی خانه در بسیاری از شهرهای سنتی ایران رعایت شده است. در واقع به دلیل درون‌گرایی الگوی خانه‌های تاریخی از نمای خارجی اکثر خانه‌های تاریخی موقعیت شغلی و اجتماعی مالک مشخص نمی‌شد و تشخیص کالبدی خانه‌ها در عین یگانگی، باعث ایجاد نظم مطلوب و وحدت شهری می‌گشت. در روزنامه اخگر (۱۳۷۴ ه.ش) در این باره آمده است: «سردر عمارت و نمای دیوار منزل فلان الدوله و بهمان‌التجار با سردر عمارت و نمای دیوار فلان دلال بازار یا فلان آقای بزاز از حیث منظر و مرثا به هیچ وجه دارای امتیازی نیست» (روزنامه اخگر، سال نهم، شماره ۱۲۷۴، ۱۰ مهر ۱۳۱۶ رجبی ۱۳۸۷، ۳۱۲). برخلاف سیمای بیرونی خانه‌های این دوره، فرم و تزئینات فضاهای درونی به شغل و موقعیت اجتماعی مالک وابسته بوده است. در صورتی که تشخیص کالبدی خارجی خانه‌های مسکونی از حالت اعتدالی خود فراتر یا پایین‌تر رود، تک بناهای متمایز در شهر هارمونی و نظم مطلوب و وحدت شهری را از بین می‌برد. با توجه به تاثیراتی که تشخیص کالبدی مجموعه مسکونی بر فرد، اجتماع و منظر شهری می‌گذارد به کارگیری تشخیص کالبدی از نقطه نظر اسلام اهمیت وافیه می‌یابد. با نظر به مطالب فوق حدود تشخیص کالبدی و تاثیرات آن، مطابق جدول زیر قابل تنظیم است.

جدول ۱- حدود تشخیص کالبدی و تاثیرات آن (مأخذ: نگارنده)

تاثیرات تشخیص کالبدی/حدود تشخیص کالبدی	پایین‌تر از حدود تشخیص کالبدی	تشخیص کالبدی در حدود اسلامی	فراتر از حدود تشخیص کالبدی
فرد	حقارت	احساس ارزش و رضایت از خویشتن	احساس عجب
اجتماع	طرد شدگی	احساس شان و منزلت در اجتماع	تفاخر
محیط	بی‌نظمی و ناهماهنگی	نظم مطلوب و وحدت شهری	بی‌نظمی و ناهماهنگی

## ۵- نتیجه‌گیری

با نظر به اینکه یکی از موضوعات مهم در مسکن، پاسخگویی به نیازهای روحی و روانی ساکنان است و دین اسلام همواره بر سلامت روح، روان، کرامت و احترام تاکید فراوان دارد، به کارگیری تشخیص کالبدی مجموعه مسکونی از منظر اندیشه اسلام اهمیت وافیه می‌یابد. خانه‌ها بیش از سایر بناها نیازمند دستیابی به این اصالت معماری است. زیرا خانه برای ساکنینش مرکز جهان است و برای محله‌اش شاخص‌ترین بنا در تحکیم بنا است. خانه‌ها و مجموعه‌های مسکونی مکان‌هایی هستند که تاثیرات زیادی روی ساکنین و نسل‌های آینده ما خواهند داشت. بنابراین دستیابی به مولفه‌هایی که بتواند پاسخگوی نیازهای روحی و روانی ساکنین باشد و رضایت آن‌ها را از کیفیت زندگی و مجموعه مسکونی‌شان افزایش دهد نکته‌ای قابل‌تأمل و بررسی است. به دنبال پیوند مسکن با تشخیص کالبدی، ضمن ارتقای کیفیت زندگی ساکنین و تامین نیازهای روانیشان، شاهد مجموعه مسکونی ماندگار و با اصالت معماری ایرانی در سطح شهر خواهیم بود. در تحقیق حاضر سعی بر این بود که تبیین حدود تشخیص کالبدی و تاثیرات تشخیص کالبدی از منظر جامعه اسلامی دست‌یابیم، با توجه به مدل گوستافسون و تشریح عناصر تاثیر گذار، تشخیص در سه بعد فردی، اجتماعی و محیطی قابل‌تقسیم است. خانه مسکونی با موجودیت مادی که دارند، باعث ایجاد حس ارزش و رضایت از خود و احساس شان و منزلت در اجتماع می‌شود. این دو احساس که خیلی به هم نزدیک هستند، یکی در عالم درون و دیگری در مناسبات اجتماعی تحقق می‌یابد. اولی برای انسان جدا و مجزای از جامعه هم نیاز است ولی دوم برای انسان در میان جمع نیاز است. در اصل وجود این دو نیاز و احساس سلامتی روانی آدمی در گرو تامین این هاست، وفاقی میان روان‌شناسان و ادیان الهی و هم تفکرات فلسفی فیلسوفان در مباحث علم النفس و هم به نحوی در تفکرات عرفانی مطرح و مورد توجه و تایید بوده و بر این نکته هم تاکید ورزیده شده است که تامین این دو نیاز بر سلامت روانی موثر است و از سوی دیگر، وجود این دو احساس نشانه سلامت روانی است و انسان سالم کسی است که این دو احساس مثبت را دارد. و با نظر به اینکه دین اسلام همواره بر سلامت روح و روان تاکید فراوان دارد. تشخیص کالبدی مجموعه مسکونی زمانی از دیدگاه اسلامی پذیرفته است که ضمن ایجاد حس ارزش و رضایت از خود، باعث شان و منزلت اجتماعی شود که این تشخیص کالبدی سلامت روان و رضایت از خویشتن را در پی دارد. اسلام با صرف هزینه بیش از حد برای تزئینات و مصالح گران‌قیمت در نمای بیرونی ساختمان به منظور متمایز نمودن خود از دیگران و یا متمایز نمودن خانه‌ها از یک دیگر مخالف است. نمای بیرون خانه نباید نمایشی از ثروت و تفاخر صاحب خانه بوده و باعث غبطه خوردن همسایگان و عابران شود. این نکته در خانه‌های سنتی مسلمانان مشاهده می‌شد و تزئینات خارجی ساختمان در راستای مد، فخرفروشی و یا جلب توجه به حساب نمی‌آمد. بنابراین تشخیص کالبدی مجموعه مسکونی که در کالبد خارجی خود از اصول اسلامی چون اعتدال و درونگرایی بهره‌گیرد، کالبدی متواضع و به دور از هرگونه کبر، تفاخر و فردگرایی را داراست، و این تشخیص کالبدی باعث ایجاد احساس ارزش و رضایت از خویش ساکنین مجموعه مسکونی و احساس شان و منزلت اجتماعی آنان می‌گردد که سلامت روان ساکنین را در پی داشته و باعث ایجاد هارمونی و نظم مطلوب و وحدت در شهر می‌شود.

در صورتی که تشخیص کالبدی خارجی مجموعه مسکونی از حالت اعتدالی خود فراتر رود به گونه‌ای که تک بنا در کنار سایر بناهای شهری عرض اندام کند و نمادی از ثروت و تفاخر صاحب خانه باشد موجب غبطه خوردن عابرین می شود و ضمن تاثیراتی که برای شخص در روان خود و در ارتباط با اجتماع می گذارد، تک بناهای متمایز در شهر هارمونی و نظم مطلوب و وحدت شهری را از بین می برد. در صورتی که تشخیص کالبدی خارجی مجموعه مسکونی از حالت اعتدال خود پایین رود به گونه‌ای که تک بنا در کنار سایر بناهای شهری دچار حقارت شود ضمن تاثیر منفی که در روان فرد می گذارد در اجتماع موجب طرد شدگی می شود که تبعاتی منفی من جمله نبود دلبستگی به مکان، عدم همکاری، نگرش های منفی و... به دنبال دارد و این تک بناهای محقر در کنار سایر بناها سیمای شهری نامطلوبی ایجاد می کند .

## منابع

۱. ایلیکا، شاهین؛ منصوری، بهروز؛ نصیرسلامی، سیدمحمدرضا؛ صارمی، سیدعلی اکبر. (۱۳۹۴). «تبیین مفهوم مسکن و سکونت در رویکرد پدیدار شناسی و رهیافت پارادایم های فرهنگی زیستی». مدیریت شهری، ۱۴ (۳۹)، ۱۶۵-۱۸۸.
۲. حجت، مهدی. (۱۳۷۷). «ادراک فضا، مجله رواق»، ۱، ۱۷-۲۷.
۳. حدادعادل، غلامعلی. (۱۳۸۱). «دانشنامه جهان اسلام». تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی).
۴. حسینی وردنجانی، سید محسن؛ مرتضایی، سید جواد؛ ترکی، محمدرضا؛ صالحی نیا، مریم. (۱۳۹۷). «تشخیص ادبی در دیدگاه ادیبان مسلمان». کهن نامه ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۹ (۱)، ۲۷-۵۲.
۵. حمزه نژاد، مهدی؛ صدریان، زهرا. (۱۳۹۳). «اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر». پژوهش های معماری اسلامی، ۲ (۳)، ۶۰-۷۸.
۶. خواجه صالحانی، افسانه؛ اعظم آزاده، منصوره. (۱۳۹۴). «تشخیص محله و احساس طرد اجتماعی (مطالعه موردی شهر پاکدشت)». رفاه اجتماعی، ۱۵ (۵۹)، ۸۹-۱۱۸.
۷. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۷). «لغت نامه». تهران: دانشگاه تهران.
۸. عابدینی، پرستو. (۱۳۹۵). «بررسی تاثیر آموزه های قرآن کریم بر سلامت روان. همایش ملی سلامت از دیدگاه قرآن کریم». جهاد دانشگاهی، ۲۰.
۹. فلامکی، محمد منصور. ۱۳۹۱. «اصل ها و خوانش های معماری ایرانی». نشر فضا: تهران.
۱۰. کرجی، علی. (۱۳۸۰). «اصطلاحات فلسفی و تفاوت های آن ها با یکدیگر». قم: بوستان.
۱۱. کریستیان نوربرگ، شولتز. مترجم محمدرضا شیرازی. ۱۳۹۲. «روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری». رخداد نو.
۱۲. لیلای مزند، صابره؛ هاشم پور، پریسا. ۱۴۰۰. «مطالعه تطبیقی تشخیص کالبدی خانه های تاریخی محدوده ای از منطقه فرهنگی تاریخی تبریز». فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۶ (۱)، ۵۴-۷۷.
۱۳. مجله طلوع تابستان، ۱۳۸۱، «طرحی در باب مفاهیم و مضامین روان شناختی اسلام»، شماره ۲.
۱۴. نقره کار، سلمان؛ رحیمی، ریحانه. ۱۴۰۱. «اصول طراحی مجموعه مسکونی مبتنی بر حکمت اسلامی بر اساس آرا علامه ایت الله جوادی آملی در کتاب مفاتیح الحیات»، ۳۱-۸۸.
۱۵. نقره کار، عبدالحمید؛ حمزه نژاد، مهدی؛ فروزنده، آسان. ۱۳۸۸. «راز جاودانگی آثار معماری (تحلیلی بر نگرش های نوگرا و فرانوگرا و رویکردهای فراگیرتر)». باغ نظر، ۶ (۱۲)، ۱۳-۴۴.
۱۶. یاران، علی؛ بهرو، حسین. ۱۳۹۵. «تاثیر فرهنگ و اخلاق اسلامی بر مسکن و کالبد فضایی خانه ها (نمون موردی: خانه های عصر قاجار در شهر اردبیل)». قطب علمی معماری اسلامی، ۱۵ (۵)، ۹۱-۱۰۷.
17. Canter, D. (1977a), The Psychology of Place. London: Architectural Press.
18. Carmona, M., (2010), Public Spaces Urban Spaces, translate by: Fariba Gharaee, Tehran University press. [in Persian]
19. Cooper Marcus, C (1974), The house as symbol of self. In: LANF, J. T. (ed.) Designing for human behavior: Architecture and the behavioral science, Dowden, Hutchinson.
20. Gustafson, P, 2006, Place Attachment and Mobility, pp. 17-31, CAB international (Jorgensen & Stedman, 2001, 2006)
21. Kavartatsiz, Michalis, and G.J. Ashworth 2005. City Branding: an effective Assertion of Identity or a transitory marketing trick? Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie 96: 506-514
22. Lang, Jon. (2011). "City Branding" in book Companion to Urban Design, Tridib Banerjee, New York: Routledge.
23. Moore, Charles, et all, 1974, The Place of HOUSE, Holt Rinhart Winston
24. Saegret, S (1985), The role of housing in the experience of dwelling. In: Altman, I. and C. Werner (eds. ) Home environment, Plenum Press, pp. 287-309